

هیز و الا فلاح حسن

www.ketab.ir

سرشناسه: قدوی، سید محمد، ۱۳۳۵ | عنوان و نام پدیدآور: هنر، پژواک اقلیم هشتم / نویسنده سید محمد قدوی؛ مقدمه حسن بلخاری قهی؛
ویراستاری مسعود شهابی پور. | مشخصات نشر: تهران: چاپ و نشر نظر، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص:، مصور
شابک: ۱-۳۴۴-۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | پادداشت: کتابنامه. | موضوع: هنر | موضوع: Art | موضوع: هنر -- ایران | موضوع: Art -- Iran
شناسه افزوده: بلخاری قهی، حسن، ۱۳۴۱-، مقدمه نویس. | رده بندی کنگره: NV۴۲۵ | رده بندی دیویی: ۷۰۹ | شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۹۶۵۷

www.ketab.ir



© موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۸۲۸۹۰۳ - ۸۸۸۴۲۹۴ - ۸۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

هنر پژوهاک اقلیم هشتم

مجموعه مقالات

نویسنده: سید محمد فدوی • مقدمه: حسن بلخاری قهی

ویراستار: مسعود شهامی پور • صفحه آرایی: فهیمه فدوی • طراحی عنوان: لیلا میری • گرافیک روی جلد: روشنگ مافی

چاپ: چاپ و نشر نظر • پیش از چاپ: سعید کاوندی • مدیر تولید: مهدی ابراهیم

تیراژ: ۶۰۰ جلد • چاپ نخست: بهران ۱۴۰۰ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۳۴۴-۱

هرگونه استفاده از تصاویر و متن کتاب با اجازهی کاتبان ناممکن است.

© هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فیزیکی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش، ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

www.ketab.ir

کتابی که در دستان شماست نتیجه سال‌ها فعالیت آموزشی و پژوهشی در دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است: راهنمایی رساله‌های دوره دکتری و پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد، استخراج مقالات از کارهای تحقیقاتی انجام‌شده و نیز مقاله‌های مستخرج از طرح‌های پژوهشی مصوب در دانشگاه که مشترکاً با دانشجویان یا همکاران هیئت علمی در نشریات علمی پژوهشی مختلف به چاپ رسیده است. علاوه بر این موارد، مقالاتی نیز منفرداً تألیف شده که تعدادی از آن‌ها پیش‌تر در نشریات چاپ شده است و تعدادی دیگر اول بار در این کتاب منتشر می‌شود. مقاله «هنر، پژواک اقلیم هشتم»، که عنوان کتاب از آن مقتبس است، فروردین‌ماه سال ۹۹ به تحریر درآمده و شامل مبحثی است که در چارچوب‌های فکری مختلف است. شایان ذکر است برخی مقالات قدیمی برای انتشار در این کتاب حک‌و اصلاح شده‌اند و در مواردی، جهت روشن‌تر شدن موضوع، تبدیلی به متن آن‌ها افزوده شده است. وظیفه خود می‌دانم از همه استادان و دانشجویان عزیز که در آماده‌سازی کتاب مرا یاری داده‌اند و در نگارش مقالات با من هم‌قلم بوده‌اند تشکر و تشکر کنم. همچنین سپاسگزارم از استاد اندیشمند، آقای دکتر حسن بلخاری، که مقدمه‌ای بر کتاب نگاشتند.

۱۰	مقدمه دکتر حسن بلخاری
۱۲	هنر، پژواک اقلیم هشتم
۲۶	دین و زیبایی‌شناسی
۳۴	تصویرسازی در صدر اسلام
۴۸	هنر و تمدن اتروسک
۷۰	هنر فاطمیان در مصر
۸۴	فضای شهری و هنرهای کاربردی
۹۴	هنر تصویرسازی
۱۰۶	از توکن تا نوشتار
۱۲۲	آسیب‌شناسی آموزش گرافیک در ایران
۱۴۴	بداهه‌سازی در هنر نقاشی و تصویرسازی

- نقش هنر مفهومی و هنر جدید در طراحی موزه‌های دفاع مقدس ۱۶۴
- مطالعه تطبیقی پوستره‌های شیگتو فوکودا و روش‌های ایجاد خطای دید ۱۸۰
- مطالعه تطبیقی پوستره‌های شیگتو فوکودا و چاپ‌های موریس اشر ۲۰۶
- نسخه الحشایش کاخ گلستان (منوچهر خان) اوج تصویرسازی علمی در تمدن اسلامی ۲۳۰
- نقش خاندان قرچغای خان در پیشبرد هنرهای مکتوب قرن یازدهم شهر مشهد ۲۴۸
- بررسی ویژگی‌های بصری آثار طراحی فرانک شاخص مدرسه باوهاوس ۲۷۰
- بررسی فرهنگ و هنرهای تجسمی کولیان در ایران ۲۹۰
- پیر حمزه سبزه پوش (عزیزالدین نسفی) ابرکوه یزد ۳۱۰
- ایجاد بستر مناسب جهت ایده پردازی خلاق در تصویرسازی ۳۳۲
- تجلی آئین «ور» در نگاره گذر سیاوش از آتش ۳۴۶
- پژوهشی در دیالکتیک ارزش‌های مادی و معنوی نقاشی معاصر ایران ۳۶۶
- تأثیر متقابل تصویرسازی ایران و هند در عصر صفویه ۳۸۸

در تاریخ هنر سخن بسیار مهم و بنیادینی وجود دارد که متأسفانه به اندازه اهمیت و عظمتش مشهور و شناخته نیست. میکل آنژ، آن گاه که پاپی از پاپ‌های رم در باب یکی از نقاشی‌هایش اظهار فضلی خام‌دستانه و بسیار بی‌منا کرد، خطاب به او می‌نویسد: «من با مغز خود نقاشی می‌کنم، نه با دست خود.» این سخن گرچه کوتاه است، جایگاهی رفیع در تاریخ هنر، به ویژه فلسفه هنر، دارد. از مسیرآن، هنر از صورت حرفه و پیشه خارج شد و هنرمندان، که اول و با لذات دارای تخیلی خلاق‌اند و سپس عامل و ماهر در عمل، از دنیای پیشه‌وری به عرصه‌ی هنرمندی پای گذاشتند. آرنولد هاووز در کتاب مهم و تأمل‌برانگیز تاریخ اجتماعی هنر این رویکرد میکل آنژ را ویژگی خاص هنرمندی می‌داند که با هنر به اندیشه تبدیل شد. هاووز می‌نویسد:

«وی نخستین نمونه هنرمند نوجوی تنهایی است که نیروهای درون، دیوانه‌وار، به پیشش می‌رانند و نخستین کسی است که اندیشه، به تمام و کمال، بر او چیره می‌شود و جز اندیشه چیزی برایش باقی نمی‌ماند؛ نسبت به استعدادهای خویش مسئولیتی عمیق احساس می‌کند و در نبوغ هنری خود نیرویی فوق انسانی می‌بیند. در اینجا پای استقلال در میان می‌آید که، در پرتو آن، کلیه تصوراتی که پیش از آن در مورد آزادی هنری وجود داشت رنگ می‌بازند و محو می‌شوند. اکنون، برای نخستین بار، آزادی کامل هنرمند تحصیل می‌شود؛ اینک برای اولین بار، او به صورت آن‌گونه نابغه‌ای درمی‌آید که از عهد رنسانس به این سو با او آشنا بوده‌ایم؛ اینک دگرگونی نهایی صورت پذیرفته: دیگر نه هنر، بلکه خود هنرمند است که مورد تجلیل و تکریم واقع می‌شود و ستایش از او باب می‌شود.» (تاریخ اجتماعی هنر: ۱۰۸)

بنابراین، از قرون شانزده و هفده به بعد، هنر حیطه مباحث مهمی چون تخیل، نبوغ و خلاقیت می‌شود و تصادفی نیست که مهم‌ترین آثار فلسفه هنر پس از تأملات فلاسفه یونانی چون افلاطون، ارسطو و فلوپین) در حوزه نظری هنر ظهور می‌کنند:

«عنصری که در درک رنسانس از هنر کاملاً جدید است کشف مفهوم "نبوغ" و پیدایش این فکر است که اثر هنری آفرینش شخصیت مستقلی است و این شخصیت از دایره سنت‌ها، نظریه‌ها، قواعد و حتی خود اثر فراتر می‌رود و غنی‌تر و عمیق‌تر از خود اثر است و امکان ندارد که بتوان آن را در محدوده یک "شکل" عینی بیان کرد. این فکر برای سده‌های میانه، که هیچ ارزش مستقلی برای ابتکار و خودجوشی قائل نبود و تقلید از استادان را توصیه می‌کرد و انتحال را مجاز می‌دانست، بیگانه بود؛ زیرا این دوره، در منتهای خود، جز به طور سطحی به این قضیه نمی‌نگریست و اندیشه رقابت معنوی به هیچ وجه اندیشه‌ای غالب در آن دوره نبود.» (همان)

متأثر از انقلاب فلسفی اروپا که، در آن، سوژه بر ابژه تفوق یافت و «عقل نقاد» و «من اندیشمند» جایگزین عینیت فلسفی شد و کسانی چون دیوید هیوم، امانوئل کانت و بعدتر هگل و دیگر اندیشمندان غربی هنر را به مفهومی کاملاً نظری عملی تبدیل کردند، در عالم هنر نیز رویکرد بسیار شگرفی ظهور کرد. فلاسفه و متفکران عرصه‌ای جدید و گستره‌ای نو برای هنر مهیا ساختند. اغراق نیست اگر بگوییم ظهور نظریه‌های جدید در حوزه‌ی هنر چون بیان، فرم، تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و، بعدها، نظریه‌ی نهادی و همچنین ظهور مکاتب مختلف هنری و اندیشه‌ورزی اندیشمندانی چون جرج دیکی، دانتو، کروچه و بسیاری دیگر در این مکاتب مؤید این معنا بود که دوره‌ی جدیدی در هنر در حال ظهور و تکوین است؛ دوره‌ای که دیگر در آن هنر پیشه یا حرفه محسوب نمی‌شد، بلکه شاخه‌ای بود از درخت تناور اندیشه‌های نظری. اینک هنر پایه‌ی فلسفه و معرفت قد کشیده و اندیشمندان و متفکران همچون رویکردی مؤثر و متحول‌کننده بدان روی آورده بودند. نقش شگرف هنر در دو سه دهه‌ی اخیر چنان برجسته و عینی بود که امروزه هیچ اندیشمند منصفی نمی‌توان یافت که در تأثیر و اهمیت حوزه‌ی نظری در عرصه‌ی هنر رویکردی از سرنفی و رد داشته باشد. اینک همگان می‌دانند هنر جمع ایده و فرم، اجتماع نظر و اثر، و قالب و محتواست و، بنابراین، به همان اندازه که رنگ و نور و گستره و تناسب مهم است، ایده‌ی خلاق و تخیل فعال نیز، در عقبه‌ی این عناصر، اهمیت دارد، و این مفاهیم مفاهیمی یکسره فلسفی و عقلی است. این معنا توجه به مباحث نظری را به صورت کامل در حوزه‌ی هنر ایجاب می‌کند. حوزه‌ی هنر حوزه‌ی تلائم و ارتباط دوسویه مغز و دست است. یک بار دیگر به جمله‌ی بنیادین میکل‌آنژ که در آغاز آوردیم توجه کنید: دست و مغز یک فرم و معنا در کنار هم آثاری بزرگ در حیات بشری می‌آفرینند.

* * *

اثری که اینک به همت سید محمد فدوی، استاد دانشگاه تهران، آماده‌ی انتشار است حاصل تجربه و عمر هنرمندی استاد است که به‌ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده پیوند وثیقی میان یافته‌های تجربی و استعداد هنری خود با اندیشه و تأملات نظری عرصه‌ی هنر برقرار سازد. پیوندی است مبارک و، حتم و یقین، مورد نیاز جامعه‌ی هنری و نظری ما. کسانی که در حوزه‌ی اندیشه‌ورزی صرف در باب هنر نظر می‌دهند ضروری است به حوزه‌ی فرم و ظهور عملی آن نزدیک شوند، و هنرمندانی که خالق زیباترین آثارند نیازمند قرب به حوزه‌ی نظری‌اند. به نظر فدوی از عهده‌ی این کار برآمده است. این اثر و مقالات آن مؤید این معناست.